



بولتن تخصصی

شماره ۲۱ / مرداد ۱۴۰۳

اتاق نارنجی

O R A N G E

R O O M

طراحی صحنه و فراتر
رفتن از اقتباس

تحلیلی بر فیلم «نامه‌هایی به ژولیت»

با عشق از ورونا

نگاهی بر لوکیشن‌های عمده فیلم



فیلمنامه بسیاری از آثار سینمایی از بطن انواع اقتباس‌ها نوشته می‌شوند. این فیلمنامه‌ها می‌توانند به واسطه رمان، نمایشنامه، متون نظم و حتی آثار معمارانه و هنرهای تجسمی پدید آیند. در این میان، چه عواملی باعث می‌شوند تا یک اقتباس سینمایی، از برتری‌های عمده‌ای برخوردار شود یا چندان چنگی به دل نزند!

اگر از جنبه‌های ادبی یک اقتباس کنیم، باید به حوزه هنرهای تجسمی، معماری و حتی شهرسازی وارد شویم. بسیاری از این‌گونه دستمایه‌های ادبی یا بصری، از چنان قدرت شمایل‌نگارانه‌ای در درون خود برخوردارند که همین عناصر و مولفه‌ها می‌توانند به خوبی در زمره بهترین مواد و مصالح لازم برای یک اقتباس قدرتمند به شمار آیند. به عبارت دیگر، برخی از ویژگی‌های موجود در اثر اصلی، چنان جایگاهی را در روند دراماتیک داستان از آن خود ساخته‌اند که نه تنها نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، بلکه به روشنی می‌توان از آن‌ها برای دستیابی به یک اقتباس ماندگار استفاده کرد.

نگاه کنیم به پلکان فرار در نمایشنامه *باغ وحش شیشه‌ای* اثر تنسی ویلیامز که به عنوان یک مولفه بصری و معمارانه، نقش عمده‌ای را در پیشبرد داستان و شخصیت‌پردازی اثر برعهده دارد؛ یا کمی عقب‌تر رفته و پا به دوران الیزابت اول بگذاریم. در نمایشنامه *مکبث*، جنگل مملو از درخت، نه تنها به مثابه یک جلوه بصری وارد داستان می‌شود، بلکه اصلاً سرنوشت و تقدیر شخصیت اصلی نمایشنامه را نیز با حرکت خود تعیین می‌کند. بدین ترتیب است که در هیچ یک از اقتباس‌های شکسپیر شاهد حذف جنگل و درختان نیستیم و هر کارگردان/طراحی به شیوه‌ای بدیع و جذاب به این صحنه پرداخته است.

اما زمانی که به نگارش فیلمنامه و طراحی صحنه فیلمنامه‌هایی نظیر *نامه‌هایی به ژولیت* می‌رسیم، «اقتباس» از ماهیت خود فراتر رفته و معانی جدیدی را خلق می‌کند. به عبارت دیگر، اقتباس این فیلم از داستان *رومئو و ژولیت*، نه تنها مفهوم عشق جاودانه این نمایشنامه شکسپیر را احیاء می‌کند، بلکه در قالبی معاصر، شمایل‌های نوظهوری را فراهم می‌آورد.

بیائید همه چیز را از ابتدا بررسی کنیم. داستان از حقیقت‌یابی عکس بسیار مشهور روز *پیروزی در میدان تایمز* از آلفرد آیزنشتت که در آن یک ملوان نیروی دریایی ایالات متحده را به هنگام در

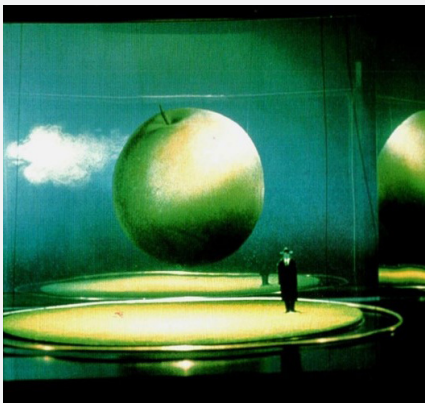
آغوش کشیدن و بوسیدن دختری غریبه به نمایش می‌گذارد آغاز می‌شود. بدین ترتیب نخستین عنصر بصری - عکس - که با تم عشق جاری در *رومئو و ژولیت* نیز همخوانی دارد وارد اثر می‌شود. در ادامه مسیر داستان دختر خبرنگار را به ورونا و بعدتر سینا می‌کشاند. شهری که زادگاه رومئو و ژولیت است و به نوعی شهر عشق ایتالیا به شمار می‌رود. بازهم تاکید بیشتر بر مفهوم عشق با نگاه خاص به حوزه شهرسازی. توجه کنیم که تا چه حد کارگردان در به تصویر کشیدن مناظر مختلف این شهر موفق عمل کرده و بر آن تاکید داشته است. با پیش رفتن داستان، خانه ژولیت و بالکن مشهور او پدیدار می‌شود. این بار، معماری به عنوان عنصر شمایل‌نگارانه و به شدت قابل اقتباس وارد عرصه می‌شود. در همین نقطه است که تلاقی مستقیم میان نمایشنامه شکسپیر و فیلم *نامه‌هایی به ژولیت* شکل می‌گیرد.



بالکن خانه ژولیت.

اما داستان زمانی از یک اقتباس صرف فراتر می‌رود که در پایان، قهرمانان روایت خود را در بالا و پائین بالکن خانه‌ای در توسکانی (ویلای معشوق قدیمی کلر) می‌یابند و عشق خود به یکدیگر را ابراز می‌دارند. گویی از پس صدها سال مجدداً دو نوجوان داستان عاشقانه شکسپیر زنده شده و با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. این اقتباس به قدری مستقیم و بی‌واسطه است که راه را بر هرگونه شائبه تقلید و کپی کردن می‌بندد. در این جا بد نیست به یک نکته بسیار مهم از اقتباس اشاره کنیم: یکی از مشهورترین آثار راولف کولتای، طراحی صحنه بزرگ انگلیسی، طراحی صحنه *اپرای سیارات* اثر گوستاو هولست است

که در سال ۱۹۹۰ به روی صحنه رفت. او در یکی از صحنه‌های این نمایش، تابلوی سیب رنه مگریت را عیناً به کار برد. در آن روزها بسیاری از منتقدان به او خرده گرفتند که در این صحنه مبادرت به کپی‌کاری کرده است و کولتای با صراحت تمام اعلام کرد که از مگریت کپی کرده است! این که آیا او برای دست زدن به این کار محق بوده است یا نه، نیازمند بحث گسترده‌ای است که در ادامه به بخشی از آن اشاره می‌کنیم؛ با این حال آن چه بدیهی به نظر می‌رسد این است که او آگاهانه و به شکلی صریح (در حالی که می‌دانست همگان این برداشت مستقیم را درخواست خواهند یافت) از این تابلو استفاده کرده است. چنین رویکردی را شخصاً «فرا رفتن از اقتباس» می‌نامم که بی‌تردید معانی جدیدی - بیش از خود اقتباس - را به وجود می‌آورد.

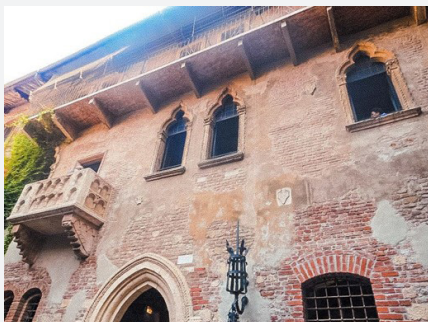


اپرای سیارات، طراح صحنه راولف کولتای، ۱۹۹۰.

آن چه در صحنه پایانی *نامه‌هایی به ژولیت* نیز به وقوع پیوسته نوعی کپی‌برداری مستقیم از موقعیت معمارانه و دراماتیک *رومئو و ژولیت* شکسپیر است. دقیقاً مشابه همان کاری که کولتای در *سیب مگریت* انجام داده است. در این میان، یک نکته ظریف در عرصه کپی کردن در فرایند اقتباس وجود دارد. اگر یک هنرمند در تمامیت اثر هنری خود از یک اثر هنری پیشینی بهره‌برداری کند، بی‌تردید دست به کپی (با بار ارزشی منفی) زده است؛ اما اگر در تنها بخشی از اثر خود، از یک اثر هنری به شکل مستقیم استفاده کند، وارد حوزه فراتر رفتن از اقتباس شده و معانی شگفت‌انگیزی را خلق می‌کند.

اسمیت وایمن^{۴/} (ونسا ردگریو^{۵/})، و نوه فوق‌العاده آزاردهنده کلر، چارلی وایمن^{۶/} (کریس ایگان^{۷/}) را دنبال می‌کنید. این سه نفر برای یافتن معشوق گمشده کلر با یکدیگر همسفر می‌شوند. اگر می‌خواهید درباره داستان فیلم بیشتر بدانید؛ خوب! خودتان فیلم را تماشا کنید!

خانه ژولیت یکی از مشهورترین جاذبه‌های گردشگری ورونا است و هر گردشگری که به این شهر می‌آید حتماً از این عمارت بازدید می‌کند. خانه ژولیت یک ساختمان قرن چهاردهمی است که هیچ ارتباطی به داستان رومئو و ژولیت ندارد. این حال، پس‌زمینه زیبایی را به وجود آورده که قرن‌هاست به نماد عشق بدل شده است.



در داخل یک حیاط کوچک که در مجموعه‌ای ساختمانی قرار گرفته، بالکن ژولیت، مجسمه او و دیواری سرشار از گرافیتی را خواهید دید که به واسطه آن عشاق بی‌شمار درباره عشق بی‌پایان خود به یکدیگر صحبت کرده‌اند. در این میان، ممکن است به واسطه مطالعه مقاله گرافیتی در پمپئی^{۸/}، در جریان باشید که مردم ایتالیا برای قرن‌ها افکار خود را روی دیوارها می‌نویسند! ورود به این حیاط رایگان است؛ اما اگر می‌خواهید عشق بی‌پایان خود به زیبایی را ابراز کنید، باید برای دسترسی به بالکن هزینه پردازید. یک افسانه محلی می‌گوید اگر سینه چپ مجسمه ژولیت را لمس کنید، از شانس بیشتری در عشق برخوردار خواهید شد... در طراحی صحنه‌های به ژولیت، یک دیوار آجری («دکوری») به خانه ژولیت افزوده شد. بازدیدکنندگان، نامه‌های عاشقانه خود را به این دیوار می‌چسبانند و بدین ترتیب از ژولیت پاسخ می‌خواهند. در واقعیت، یک صندوق پست قرمز



با عشق از ورونا

نگاهی بر لوکیشن‌های عمده
نامه‌هایی به ژولیت

سوفی نادو^{۱/}

نویسنده و عکاس سفر که بر تجربیات فرهنگی در اروپا و فراتر از آن تمرکز دارد.

اگر فیلمی وجود داشته باشد که بتوانم بارها و بارها آن را تماشا کنم، فیلم نامه‌هایی به ژولیت است. شاید دلیل آن پنی‌ر باشد یا پایان بسیار خوش آن! نمی‌دانم! دلیلش هرچه باشد، نامه‌هایی به ژولیت تا امروز یکی از فیلم‌های محبوب من بوده است. یک داستان دلچسب و اگرچه کمی غیرواقعی. در این نوشتار تلاش کرده‌ام تمام لوکیشن‌های فیلمبرداری نامه‌هایی به ژولیت را معرفی کنم.



نامه‌هایی به لوکیشن‌های ژولیت

برای کسانی که با فیلم آشنایی ندارند، نامه‌هایی به ژولیت سفر سوفی هال را روایت می‌کند، یک حقیقت‌یاب مطبوعات که در نیویورک زندگی می‌کند. برای این‌که فیلم بسیار شیرین‌تر شود، داستان فیلم در یکی از زیباترین کشورهای اروپا یعنی ایتالیا می‌گذرد.

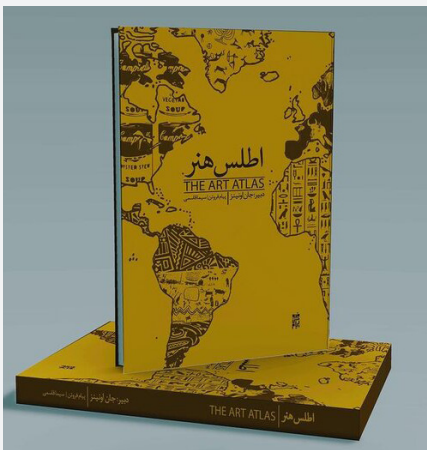
در حالی که در این فیلم در کشور چکمه‌ای زندگی می‌کنید، داستان ماجراهای سوفی^{۲/} (آماندا سیفرید^{۳/})، همراه با کلر



صحنه پایانی فیلم نامه‌هایی به ژولیت.

بالکن ویلای انتهای فیلم، با ارجاع مستقیم به بالکن خانه ژولیت - آن هم با آن معماری رنسانسی خود - نه تنها از شیرینی خاص خود برخوردار می‌شود، بلکه حلاوت نمایشنامه شکسپیر را نیز در ذهن مخاطب زنده کرده و بر جذابیت این صحنه می‌افزاید. بدین ترتیب، سکانس پایانی اثر در میان دو برهه زمانی - حال و گذشته - نوسان یافته و تماشاگر را در مولفه مهمی به نام «زمان» غرقه می‌سازد.

در نهایت، باید اظهار داشت نامه‌هایی به ژولیت، یک فیلم اقتباسی ناب است که در بستری کاملاً معاصر از اقتباس صرف فراتر رفته و به واسطه عناصر بصری گوناگون، نشانه‌ها، معانی و مفاهیم جدیدی را می‌آفریند.



Carwan Dourandich

[Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIn:
/Carvvan



مدیر بولتن: پیام فروتن
طراح هنری: کاروان دوراندیش
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می باشد.



هتل بورگو اسکوپتو رلاس /۴ در سینا

برخلاف بسیاری از رستوران ها و هتل های دیگر فیلم، هتل مجلی که سوفی، کلا و چارلی در آن اقامت کرده و جستجوی خود برای لورنزو را از آن جا آغاز می کنند، یک هتل واقعی بوده که می توانید در آن اقامت کنید! در این هتل، حتی می توانید سوئیت سوفی که توسط تپه های توسکانی احاطه شده است را رزرو کنید. اقامت در این هتل، فرار از زندگی مدرن و شیرجه به دریای تجمل است.

لوکیشن های مختلف در سینا

شهر زیبای سینا واقعا ارزش دیدن را دارد و صحنه ای است برای مجموعه ای از صحنه ها در نامه هایی به ژولیت. به سکانس قدم زدن چارلی و سوفی در معابر این شهر دقت کنید. نقاط گردشگری مختلف این شهر شامل میدان اصلی و بازیلیکا است. سینا به عنوان میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

پی نوشت ها:

1. Sophie Nadeau
2. Sophie
3. Amanda Seyfried
4. Claire Smith-Wyman
5. Vanessa Redgrave
6. Charlie Wyman
7. Chris Egan
8. Graffiti in Pompeii
9. Piazza Delle Erbe
10. Mazzanti Houses
11. Villa Arvedi
12. Cuzzano
13. Count Lorenzo
14. Borgo Scopeto Relais

کوچک وجود دارد که می توانید از طریق آن نامه هایتان را به منشی های ژولیت برسانید (درست مانند فیلم).



میدان دل اربه /۹ (میدان بازار) ورونا

میدان اصلی شهر ورونا، میدان دل اربه است که غالب فعالیت ها و جاذبه های اصلی گردشگری شهر در این نقطه مرکزی متمرکز شده اند. این میدان، مکانی فوق العاده برای نشستن، توقف و تماشای گذر دنیا (البته با یک اسپرسو در دست!) است. در این میدان تالار شهر تاریخی و خانه های ماتزانتی /۱۰ که با نقاشی های دیواری پوشیده شده اند را خواهید دید.

در نامه هایی به ژولیت، ورونا از طریق تصاویر پانورامای گسترده ای از این نقطه گردشگری و... معرفی شده است. از دیگر نواحی برجسته ورونا می توان به مقبره ژولیت، بسیاری از ساخته های رومی (از جمله یک میدان رومی که به خوبی محافظت شده) و یک رودخانه درخشان زیبا که راه خود را در کل شهر باز می کند و پیش می رود اشاره کرد.

ویلای آردوی /۱۱ در کوزانو/۱۲

کاخ «کنت لورنزو /۱۳» در فیلم، عمارت چشمگیر و باشکوه ویلا آردوی است. در میان تمام لوکیشن های فیلمبرداری نامه هایی به ژولیت، شاید ویلا آردوی زیباترین آن ها باشد. این ویلا که در قرن هفدهم ساخته شده، بزرگترین ویلای استان ورونا است.

خود ویلا در چند کیلومتری شهر واقع شده است. اگرچه ویلا در فیلم به عنوان یک اقامتگاه به چشم می خورد، اما در واقع متعلق به خانواده ای است که اغلب آن را برای مراسم و سمینارها اجاره می دهند.